یادداشت

ضرورت بهینه‌سازی مصرف انرژی

حمیدرضا شکوهی
کارشناس انرژی

در هفته‌های اخیر که شاهد افزایش مصرف گاز در کشور بودیم، همچون گذشته، مردم عامل اصلی مصرف گاز معرفی شدند. در این میان، مقایسه‌هایی هم بین مصرف گاز ایران با کشورهایی همچون چین یا قاره اروپا هم انجام شد. در اینکه مصرف گاز در کشور ما بهینه نیست، تردیدی نیست، اما چرا همواره مردم عامل اصلی افزایش مصرف معرفی می‌شوند؟ اگرچه بخش اعظم گاز تولیدی در ایران صرف مصارف خانگی می‌شود و فرهنگ مصرف گاز در بین بیشتر مردم در ایران به‌دلیل نبود فرهنگ سازی صحیح و پایین بودن نرخ گاز، فرهنگ درستی نیست، اما این همه ماجرا نیست. بخش مهمی از هدررفت انرژی و به‌ویژه گاز در خانه‌ها به‌دلیل رعایت نشدن اصول ساختمان‌سازی، بهینه‌سازی نشدن موتورخانه‌ها و همچنین پایین بودن راندمان بخاری‌های ساخت داخل است که مردم چاره‌ای جز استفاده از آن را ندارند. از سوی دیگر، بازدهی مصرف انرژی در نیروگاه‌ها و صنایع بسیار پایین‌تر از استاندارد جهانی است و بخش مهمی از گاز از این طریق هدر می‌رود. به این آمار باید هدر رفت گاز از طریق فلرینگ در میادین نفت و گاز را هم اضافه کرد که سالانه ۱۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود و ایران از این نظر در دنیا چهارم است. در این میان، دولتمردان به‌جای یافتن راه‌های اصلی بهینه‌سازی مصرف و همچنین یافتن راهکارهایی برای افزایش تولید و جلوگیری از افت فشار و کاهش تولید گاز در میادین در حال تولید، تنها به مقایسه‌های که پایه صحیحی ندارد، روی می‌آورند. همچنین برخی مسئولان یا نمایندگان مجلس گفته بودند که مصرف گاز در ایران بیشتر از اروپا است! این آمار هم عجیب است، چراکه براساس آخرین گزارش، شرکت بریتیش پترولیوم میزان مصرف گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی، ۴۲۱. ۱ میلیارد مترمکعب و مصرف گاز طبیعی در تمام کشورهای عضو «اتحادیه اروپا» ۱.۳۹۷ میلیارد مترمکعب بوده است. ضمن اینکه اولا میزان برودت هوا در اغلب کشورهای اروپایی بسیار بیشتر از ایران است که نیاز به گرمایش را افزایش می‌دهد و ثانیا سهم غالب انرژی در اغلب کشورهای اروپایی، گاز نیست. سهم برق، انرژی‌های تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای در اغلب کشورهای اروپایی برای تامین انرژی بیشتر از گاز است و حتی بخش اعظم برق تولیدی در اروپا، حاصل نیروگاه‌های گازی نیست. از همه این موارد گذشته، باید در نظر داشت که ایران دارای دومین ذخایر غنی گاز جهان است، اما اروپا چنین منابعی در اختیار ندارد و ۹۰ درصد گاز مورد نیاز خود را از طریق واردات تامین می‌کند! در نهایت اینکه در گذشته بشر تنها به‌دنبال افزایش تولید انرژی بود و همه عزم‌شان را جزم کرده بودند برای رفع نیازهای خود و به افزایش تولید به‌ویژه تولید انرژی‌های فسیلی روی آورند، اما با برداشت حداکثری از منابع انرژی در سراسر جهان، جوامع و دولت‌ها به این موضوع سوق داده شدند که این انرژی تمام‌شدنی است و تنها راه حفظ این منابع ارزشمند «بهینه‌سازی مصرف» است. آنچه مسلم است بهینه‌سازی مصرف انرژی بر همه جنبه‌های زندگی انسان تاثیر مستقیم دارد، از منابع طبیعی گرفته تا منابع انسانی و انرژی‌های تجدیدناپذیر و فرآیند گرمایش زمین و آلودگی هوا و مواردی از این دست که به‌طور مستقیم دستخوش تغییرات می‌شوند. ایران نیز همسو با تاکیدهایی که سال‌هاست در این حوزه وجود دارد قوانین و مقرراتی درباره لزوم بهینه‌سازی مصرف انرژی تدوین کرده و نهادها و دستگاه‌های مختلف کشور مامور به اجرای آنها شدند؛ به‌ویژه اینکه طبق اعلام کارشناسان مصرف انرژی در ایران چهار برابر میانگین جهانی است و بیش از ۶ برابر بیشتر از میانگین جهانی گاز طبیعی مصرف می‌کنیم! این در حالی است که اعلام شده در فصل سرد سال بیش از ۷۰ درصد تولید گاز طبیعی به بخش خانگی و تجاری اختصاص یافته است. همچنین بر این اساس ماده ۴۴ قانون برنامه ششم مصوب سال ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی، دولت مکلف شده بود به منظور افزایش ارزش‌افزوده انرژی و تکمیل زنجیره ارزش و کاهش شدت انرژی، همسو با مصرف انرژی برای واحد تولید در طول اجرای قانون برنامه اقدام‌هایی را انجام دهد و باید ترتیبی اتخاذ می‌کرد که سالانه تلفات انرژی در بخش ساختمان ۵ درصد کاهش یابد.

نگاه

محمدحسین ملائک:

در دیپلماسی نباید به هیچ کشوری اعتماد کرد

محمدحسین ملائک، سفیر پیشین ایران در چین درباره سرنوشت برجام اظهار داشت: عدم وجود برجام یعنی نبود تفاهمی که باعث رعایت هنجارهای بین‌المللی از سوی طرفین می‌شد. پیش از آن مسأله تحریم‌های گسترده شورای امنیت بر سر ایران گسترده بود که با امضای برجام رفع شد. وقتی برجام نباشد باز از مابه بخورید؛ حالا با هر روشی از جمله پول چاپ کردن، تحمل کمبود کالا یا هر روش دیگری. این شرایط نتیجه تحریم‌هاست و تا وقتی تحریم‌ها هست، مشکلات هم وجود دارند. این تحلیلگر مسائل بین‌الملل بیان کرد: در غیاب کشورهایی که ما را تحریم کرده‌اند یا متعهد به رعایت تحریم‌های آن کشورها هستند، ایران دو طرفیت مناسب را پیش روی خود می‌بیند. یکی گسترش ارتباط با روسیه و دیگری چین که تا اینجای کار هم مراجعه به آنها جواب داده است اما آنها هم نمی‌خواهند به‌طور کامل جای از جامعه بین‌المللی حرکت کنند. وی افزود: این را هم بگویم که چین نسبت به روسیه امکانات وسیع‌تری دارد و راه‌های دور زدن تحریم‌ها را فراهم می‌کند اما این کشور هم در نهایت جدای از کشورهای عضو بین‌المللی حرکت نمی‌کند. من باور دارم در دیپلماسی نباید به هیچ کشوری اعتماد کرد. ببینید که چینی‌ها آمدند در اجلاس خلیج فارس و بیانیه‌ای علیه ما را امضا کردند و احیانا فردا روز هم آقای رئیسی به چین سفر کند اتفاقا می‌گویند همکاری‌های اقتصادی را گسترش دهیم. این یعنی نباید به هیچ کشوری اعتماد صد درصدی داشت. وی در خصوص ارتباط ایران و اتحادیه اروپا اظهار کرد: ما اکنون با اروپا تنش نداریم، یک فشاری از طریق افکار عمومی در حوزه دیپلماسی علیه ما وارد می‌کنند تا به نتایج دلخواه خود برسند. ما در مواجهه با آنها باید سطح دیپلماسی عمومی‌مان را بالا ببریم. در این شرایط نباید فضا را بیش از این ملتهب کرد. ملائک تصریح کرد: من به احیای برجام چندان امیدوار نیستم زیرا در سال ۲۰۱۵ که این توافق امضا شد، شرایط جهان طور دیگری بود و در این سال‌ها معادلاتی بر هم خورده و معادلاتی تازه شکل گرفته است.

مهدی مطهرنیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

برجام در بحران شدیدی قرار گرفته است

آمریکا گمان می‌کرد با ایران برجام‌های دیگری را امضا خواهد کرد

مسأله برجام نمی‌تواند به سال ۲۰۱۵ بازگردد

آرمان ملی- احسان انصاری: «در شرایط کنونی برجام در وضعیت بحران شدیدی قرار گرفته است. بحران‌ها دارای چهار مرحله تولد، شکوفایی، فروکش و پیامدها هستند. با توجه به این مراحل مرحله تولد بحران برجام در زمانی پیش آمد که برجام به جای آنکه برنامه جامع اقدام مشترک باشد به برنامه‌ای برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شد. از سوی دیگر ایران نیز برجام را به عنوان برنامه جامع اقدام مشترک نپذیرفت. به عبارت دیگر محدودسازی تحرکات هسته‌ای ایران در چارچوب فشارهای بین‌المللی ناشی از تجربه‌ها در پرونده‌های دیگری مانند برجام موجب شد که ایران پذیرنده این معنا باشد که پرونده هسته‌ای ایران تنها بخشی از مسأله ایران برای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی است. نفی مرکزیت آمریکا به عنوان یک عنصر هویت بخش جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. زمانی که ایران برجام را پذیرفت انتظار داشت نگاه آمریکا و قدرت‌های جهانی نگاهی در زمینه لغو تحریم‌ها باشد. نگرش مقابل جمهوری اسلامی با حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی نگرش آمریکا بود که نه به لغو تحریم‌ها به صورت گسترده، بلکه به برجام به عنوان یک موضوع مذاکره با ایران نگاه می‌کرد. آمریکا براساس دکترین اوباما به دنبال این بود که با پا به پای میز مذاکره آمدن ایران درباره برجام انجام پرونده‌های مختلف با موضوعات مختلف در دستور کار تهران قرار خواهد گرفت. آمریکا گمان می‌کرد ایران پس از برجام در پرونده‌های مختلف به مذاکره خواهد پرداخت و برجام با برجام دو، برجام سه و برجام‌های دیگر پیوند خواهد خورد. ▶ آمریکا چرا به دنبال برجام‌های دیگری بود؟

هدف آمریکا این بود که ایران از یک بازیگر به اصطلاح سرکش در مقابل نظام بین‌الملل به ظن آمریکا و قدرت‌های جهانی به یک بازیگر عادی تبدیل شود که می‌تواند علیه آنها سخن بگوید اما معادلات بین‌المللی را پذیرا باشد. پیش از این ایران گروه غیرمتعهدها را آزموده بود و بارها کشورهای مختلف درباره حق ایران در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید کرده بودند. به همین دلیل برجام درباره توافق در زمینه پرونده هسته‌ای ایران پذیرفته شد.

> آمریکا بر اساس دکترین اوباما به دنبال این بود که پا به پای میز مذاکره آمدن ایران درباره برجام انجام پرونده‌های مختلف با موضوعات مختلف در دستور کار تهران قرار خواهد گرفت. آمریکا گمان می‌کرد ایران پس از برجام در پرونده‌های مختلف به مذاکره خواهد پرداخت و برجام با برجام دو، برجام سه و برجام‌های دیگر پیوند خواهد خورد

با این وجود ما شاهد بودیم آمریکا دکترین محدودسازی همکاری‌های بین‌المللی با ایران و محاصره منطقه‌ای تهران را پیش از گذشته دنبال کرد. در همین راستا و با روی کار آمدن ترامپ ایالات متحده صحبت از پاره کردن برجام و در مقابل آتش زدن برجام پیش آمد. در چنین شرایطی آمریکایی‌ها برجام را پاره کردند و ایران گام‌های خروج از برجام را تجربه کرد. با این وجود در گام‌های پنجم و ششم باقی ماند. در چنین شرایطی بایدن در آمریکا به قدرت رسید و شرایط تغییر کرد. ایران اگرچه با توپ پر در دولت سیزدهم وارد وین شد اما تاکنون با دست خالی بازگشته است. به این ترتیب ایران که خواستار برداشتن همه تحریم‌ها، راستی‌آزمایی و متعهد شدن آمریکا و دیگر کشورهای عضو برجام در مقابل تعهدات خود در چارچوب یک توافق جدید بود اکنون خواستار آن است که پرونده‌های فنی در اژانس بین‌المللی انرژی اتمی نادیده گرفته شود و با عبور از آن ایران دوباره گام‌های قبلی برجام را شکل بدهد.

▶ با توجه به شرایط پیچیده بین‌المللی آیا باید پایان برجام را اعلام کرد؟ پایان برجام چه پیامدهایی خواهد داشت؟

در شرایط کنونی برجام در وضعیت بحران شدیدی قرار گرفته است. بحران‌ها دارای چهار مرحله تولد، شکوفایی، فروکش و پیامدها هستند. مرحله تولد بحران برجام در زمانی پیش آمد که برجام به جای آنکه برنامه جامع اقدام مشترک باشد به برنامه‌ای برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تبدیل شد. از سوی دیگر ایران نیز برجام را به عنوان برنامه جامع اقدام مشترک نپذیرفت. به عبارت دیگر محدودسازی تحرکات هسته‌ای ایران در چارچوب فشارهای بین‌المللی ناشی از تجربه‌ها در پرونده‌های دیگری مانند برجام موجب شد که ایران پذیرنده این معنا باشد که پرونده هسته‌ای ایران تنها بخشی از مسأله ایران برای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی است. نفی مرکزیت آمریکا به عنوان یک عنصر هویت بخش جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. زمانی که ایران برجام را پذیرفت انتظار داشت نگاه آمریکا و قدرت‌های جهانی نگرش آمریکا بود که نه به لغو تحریم‌ها به صورت گسترده، بلکه به برجام به عنوان یک موضوع مذاکره با ایران نگاه می‌کرد. نگرش مقابل جمهوری اسلامی با حمایت قدرت‌های بزرگ جهانی نگرش آمریکا بود که نه به لغو تحریم‌ها به صورت گسترده، بلکه به برجام به عنوان یک موضوع مذاکره با ایران نگاه می‌کرد. ▶ اینها گفته‌های دکتر مهدی مطهرنیا، تحلیل گر روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مطهرنیا در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های موجود درباره برجام و بایگیرین های احتمالی آن می‌پردازد. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

> برجام یک اصطلاح برای توافق ایران با شش قدرت جهانی است. در گذشته عنوان می‌شد اگر آمریکا از برجام خارج شود هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و ایران با کشورهای دیگر برجام همراهی و همگامی خواهد داشت. با این وجود در عمل اتفاق دیگری رخ داد و ما مشاهده کردیم پس از خروج آمریکا از برجام کشورهای دیگر حتی نتوانستند یک کانال مالی تهران ایجاد کنند تا بتوانند تحریم‌های آمریکا را دور بزنند

▶ چرا این روند پیش آمد؟

اگر هر کسی جای کشورهای عضو برجام و آمریکا باشد و این نوع رفتار و کنش را مشاهده کند چه برداشتی خواهد داشت. و فکر کنند ایجاد اینکه در موضعی قرار دارد که نمی‌تواند از برجام خارج شود و به تبع باید پذیرای این باشد که در قابل یک توافق جدید امتیازهای بیشتری به طرف مقابل بدهد. در سال ۱۴۰۰ این معنا گسترده‌تر شد. در این سال با یکدست شدن حاکمیت و روی کار آمدن ابراهیم رئیسی با گفتمان دولت جدید، شرایط فراهم نبود تا زمینه‌های مذاکره را برای رسیدن به یک توافق به وجود بیاورد. در چنین شرایطی گفتمان انقلابی به هیچ عنوان نمی‌تواند عقب‌نشینی کند. عدول از گفتمان انقلابی‌گری می‌توانست گفتمان انقلاب را از وسط رینگ به گوشه رینگ پرتاب کند. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی مقامات آمریکایی پایان برجام را اعلام می‌کنند، اما مسئولیت آن را به گردن ایران می‌اندازند. شرایط به شکلی است که حتی روسیه نیز دیگر مانند گذشته چندان امیدی به برجام ندارد. اگرچه روس‌ها در رسیدن برجام به این نقطه پس از بحران اوکراین پیشرو بودند. در شرایط جسدی از برجام ماند که هرچه می‌گذرد شهروندی به خود می‌گیرد. این موضوع می‌تواند در میان مدت برای دستگاه دیپلماسی ایران با توجه به اینکه پایان برجام با بحران در اوکراین همزمان شده زمینه‌های ایجاد فضایی ضد ایرانی را در عرصه بین‌المللی به وجود بیاورد.

> پیش از این ایران گروه غیرمتعهدها را آزموده بود و بارها کشورهای مختلف درباره حق ایران در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید کرده بودند. به‌همین دلیل برجام درباره توافق در زمینه پرونده هسته‌ای ایران پذیرفته شد. با این وجود آمریکا با گفتمان دولت جدید، شرایط فراهم نبود تا زمینه‌های مذاکره را برای رسیدن به یک توافق به وجود بیاورد. در چنین شرایطی

▶ با توجه به شرایط موجود چه آلترناتیوی برای برجام قائل هستید؟ اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

برجام یک اصطلاح برای توافق ایران با شش قدرت جهانی است. در گذشته عنوان می‌شد اگر آمریکا از برجام خارج شود هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و ایران با کشورهای دیگر برجام همراهی و همگامی خواهد داشت. با این وجود در عمل اتفاق دیگری رخ داد و ما مشاهده کردیم پس از خروج آمریکا از برجام کشورهای دیگر حتی نتوانستند یک کانال مالی با تهران ایجاد کنند تا بتوانند تحریم‌های آمریکا را دور بزنند. با روی کار آمدن دولت رئیسی و گفتمان انقلابی نیز اگر چه ۴ قدرت بزرگ جهان با نمایندگان ایران در یک هتل مذاکره می‌کردند، اما نمایندگان کشورهای عضو برجام در هتل دیگری با نماینده آمریکا سخن می‌گفتند و آنچه نماینده آمریکا تأیید و یا رد می‌کرد به جلسه با ایران بازمی‌گشت. این وضعیت نشان می‌داد که کشورهای عضو برجام در نهایت به ایستگاه آمریکا می‌رسند. با روی کار آمدن دولت انقلابی در شرایطی که حدود هجده ماه از عمر این دولت می‌گذرد دلاری که در دولت روحانی بین ۲۳ تا ۲۷ هزار تومان در نوسان قرار داشت در شرایط کنونی تا مرز ۴۶ هزار تومان رسیده است. امروز وضعیت اقتصادی نابسامان است. این نابسامانی در بستر روده‌خانه‌ای رخ می‌دهد که اعتراضات در ایران در ماه‌های اخیر نوسان‌های بسیاری را نشان داده که اکنون این شرایط آرام شده است.

▶ در چنین شرایطی واکنش ایران باید چگونه باشد؟

در شرایط کنونی موضوع مهم این است که مسأله برجام نمی‌تواند به سال ۲۰۱۵ باز گردد و باید توافق جدیدی ایجاد شود. اگر به باور دولت انقلابی برجام بد است بازگشت به برجام چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ به همین دلیل باید زمینه یک توافق دیگر شکل بگیرد. راه حل این مسأله نیز تغییر گفتمان ایران در زمینه داخلی، منطقه و نظام بین‌الملل است. گفتمان ایران باید به یک گزاره «سلام» به درون و «صلح» در برون تغییر پیدا کند. ایران باید به یک جزیره آرامش و خواهان صلح عادلانه در جهان تبدیل شود. سوال این است که در شرایط کنونی که جریان‌های سیاسی اطصلاح‌های زیادی را سپری کرده‌اند شرایط جامعه ایران اجازه می‌دهد این دو رویکرد در دستور کار قرار بگیرد؟ در وضعیت کنونی اصولگرایان در درون خود با جریان‌های تندروی مواجه هستند و از سوی دیگر وضعیت اصلاح‌طلبان نیز چندان چنگی به دل نمی‌زند. این در حالی است که تودەهای مردم در طبقه‌های متوسط و متوسط به پایین دچار واگرایی شده‌اند و طبقه متوسط بالا نیز در حال ریزش در طبقه متوسط پایین است. در چنین شرایطی هزینه دادن نسبت به آنچه وجود دارد منطقی‌تر خواهد شد.

> برجام یک اصطلاح برای توافق ایران با شش قدرت جهانی است. در گذشته عنوان می‌شد اگر آمریکا از برجام خارج شود هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و ایران با کشورهای دیگر برجام همراهی و همگامی خواهد داشت. با این وجود در عمل اتفاق دیگری رخ داد و ما مشاهده کردیم پس از خروج آمریکا از برجام کشورهای دیگر حتی نتوانستند یک کانال مالی با تهران ایجاد کنند تا بتوانند تحریم‌های آمریکا را دور بزنند

حسن موسوی چلک در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مردم خواستار برداشتن گام‌های عملی هستند

▶ باید تلاش کنیم به نقطه اجماع برای بازنگری برسیم ▶ آثار مشکلات اقتصادی در حوزه اجتماعی مشهود است ▶ مراقب باشیم داده‌های غیرواقعی ما را در نوع مدیریت جامعه فریب ندهد ▶ برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی باید به دلایل آن توجه کرد

آرمان ملی: چرا فاصله بحران‌ها در جامعه ایران کمتر شده است؟ مهم‌ترین دلایل این موضوع چیست؟ دوران پسابحران دارای چه مختصاتی است و آیا ما استانداردهای این دوران را رعایت می‌کنیم؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر سیدحسن موسوی چلک، جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است.

موسوی چلک معتقد است: «میزان تورم در جامعه به شکلی است که بر تعداد فقرا افزوده می‌شود. در چنین شرایطی میزان ناراضیان در جامعه افزایش پیدا می‌کند. در هر جامعه‌ای که مردم به این سمت حرکت می‌کنند که اعتراضات خود را در خیابان‌ها اعلام کنند نشان دهنده کاهش اعتماد نسبت به سازوکارهای تصمیم‌گیری در جامعه است. از سوی دیگر اعتراضات خیابانی نشان می‌دهد که مردم راه‌های قانونی را به خوبی نمی‌شناسند و یا فضا برای راه‌های قانونی فراهم نیست. از سوی دیگر برخی احساس می‌کنند تریبونی در اختیار ندارند و به همین دلیل تلاش می‌کنند در کف خیابان‌ها حرف خود را بزنند. ما باید ببینیم که تغییر در نحوه حکمرانی ضروری است.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

▶ چرا زمان بحران‌های اجتماعی در جامعه نسبت به گذشته کوتاه‌تر شده است؟

باید به بحران‌های اجتماعی از چند زاویه نگاه کنیم. در ماه‌های اخیر مهم‌ترین بحرانی که در جامعه ایران وجود داشته اعتراضات خیابانی بوده است. برای بررسی این موضوع باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه عواملی که باعث به وجود آمدن اعتراضات شدند چه بودند؟ نکته دوم اینکه مهم‌ترین مولفه‌های اجتماعی در بروز این بحران چه مسائلی بودند؟ من معتقدم بخش مهمی از آنچه در جامعه ایران اتفاق افتاد به مولفه‌های اجتماعی بازمی‌گردد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد موضوع سرمایه اجتماعی است. در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی کاهش پیدا کند زمینه برای بروز اعتراضات خیابانی بیشتر فراهم خواهد شد. یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی میزان مشارکت سیاسی است. برخی اعتراضات به بهانه مسائل اقتصادی شکل می‌گیرد، برخی به دلیل مسائل سیاسی و برخی نیز به دلیل مسائل اجتماعی. اعتراض اخیری که در جامعه ایران رخ داد از جنس اجتماعی بود. این در حالی است که مسائل دیگر از جمله مسائل اقتصادی و سیاسی نیز در این اعتراضات نقش داشتند. به هر حال تنش‌های بین‌المللی که پیرامون ایران وجود دارد و تصمیماتی که اخیرا کشورهای اروپایی درباره ایران گرفته‌اند نشان می‌دهد که مسائل سیاسی در به وجود آمدن از جامعه ایران نقش دارند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که پیامدهای بحران اخیر در کشور چیست و ما چگونه با این پیامدها برخورد خواهیم کرد.

> برخی اعتراضات به بهانه مسائل اقتصادی شکل می‌گیرد، برخی به دلیل مسائل سیاسی و برخی نیز به دلیل مسائل اجتماعی. اعتراض اخیری که در جامعه ایران رخ داد از جنس اجتماعی بود

> در ماه‌های اخیر مهم‌ترین بحرانی که در جامعه ایران وجود داشته اعتراضات خیابانی بوده است. برای بررسی این موضوع باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه عواملی که باعث به وجود آمدن اعتراضات شدند چه بودند؟ نکته دوم اینکه مهم‌ترین مولفه‌های اجتماعی در بروز این بحران چه مسائلی بودند؟

▶ مهم‌ترین پیامدهای بحران اخیر چه بوده است؟

برای جلوگیری از تکرار بحران‌ها ما باید در مرحله نخست دلایل شکل گیری آن را بررسی کنیم و در مرحله دوم آثار و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار بدهیم. این در حالی است که گروه‌های اجتماعی و اقشار فعال در دوران اعتراضات نیز باید مورد بررسی قرار بگیرند و دغدغه‌های آنها مورد توجه قرار بگیرد. اگر به گذشته نگاه کنیم متوجه می‌شویم که فاصله اعتراضات خیابانی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده که نمونه بارز آن در سال‌های اخیر بوده است. دلیل این موضوع نیز به مولفه‌های مختلف باز می‌گردد. یکی از آنها سرمایه اجتماعی است. دوم مدیریت کارآمد در همه حوزه‌هاست. در بحران‌های اجتماعی این مدیران باتجربه، کارآمد و دور اندیش هستند که می‌توانند بحران را مهار کنند و اجازه ندهند شکل گسترده‌تری به خود بگیرد. مدیریت بحران به معنای تلاش برای ایجاد اجماع برای بازنگری است.

▶ بازنگری باید در چه زمینه‌هایی صورت بگیرد؟

بازنگری می‌تواند در ساختارهای اجتماعی، قوانین مرتبط با حوزه‌های اجتماعی، انتصابات و تجدیدنظر برای جذب حداکثری در حوزه‌های مختلف باشد. هنگامی که این اتفاقات رخ ندهد، کارآمدی وجود نداشته باشد و فشار اقتصادی به مردم به‌رغم بردباری که در چهار دهه گذشته داشته‌اند افزایش پیدا کند بحران‌ها در کشور حل نمی‌شود. مردم انتظار داشتند نتیجه صبر و تحملی که در زمینه اقتصادی داشته‌اند در نهایت به شیرین شدن کام آنها منجر شود و نه تلخ شدن. ما که در حوزه مددکاری اجتماعی فعالیت می‌کنیم به خوبی این موضوع را درک می‌کنیم که مردم با چه مشکلات اقتصادی رو به رو هستند. آثار افزایش فقر و ناکارآمدی در زمینه اقتصادی که من بر این باور هستم که دلایل اصلی آن داخلی است و تنها بخشی از آن خارجی است در حوزه اجتماعی خود را نشان می‌دهد. هنگامی که فقیر در جامعه بیشتر می‌شود به دنبال آن باید سازمان‌ها و نهادهای حمایتی را بزرگ‌تر کرد و بودجه بیشتری به این موضوع اختصاص بدهیم. این در حالی است که به دلیل شرایط موجود اقتصادی چنین امکانی وجود ندارد. اگر فرض بگیریم افراد نیازمند تحت پوشش هم قرار بگیرند حمایت‌هایی که از آنها صورت می‌گیرد با توجه به وضعیت تورم و گرانی‌هایی که در جامعه وجود دارد تناسبی با وضعیت زندگی آنها نخواهد داشت. نکته مهم این است که افشار آسیب‌پذیر و مشاغل خرد دیگر فرصت چانه‌زنی برای بهبود اوضاع را نیز از دست داده است. از طرف دیگر مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها نیز به واسطه شرایط نامطلوب اقتصادی که دارند کمتر شده است.

> مهم‌ترین اتفاقی که پس از هر بحرانی در جوامع رخ می‌دهد انتظار مردم برای واکنش حاکمیت است. این وضعیت درباره شکل گیری بحران در خانواده و سازمان نیز وجود دارد. اگر در محیط خانواده یک بحران ایجاد شود همه منتظر هستند واکنش بزرگ‌تری از خانه را مشاهده کنند که چگونه به موضوع نگاه خواهند کرد

▶ چرا فرصت چانه‌زنی از بین رفته است؟

دلیل اصلی این موضوع این است که بین درآمدها و هزینه‌های افشار آسیب‌پذیر تناسب وجود ندارد. این در حالی است که میزان تورم در جامعه به شکلی است که بر تعداد فقرا افزوده می‌شود. در چنین شرایطی میزان ناراضیان در جامعه افزایش پیدا می‌کند. در هر جامعه‌ای که مردم به این سمت حرکت می‌کنند که اعتراضات خود را در خیابان‌ها اعلام کنند نشان دهنده کاهش اعتماد نسبت به سازوکارهای تصمیم‌گیری در جامعه است. از سوی دیگر اعتراضات خیابانی نشان می‌دهد که مردم راه‌های قانونی را به خوبی نمی‌شناسند و یا فضا برای راه‌های قانونی فراهم نیست. ما باید ببینیم که تغییر در نحوه حکمرانی ضروری است. ما نیاز داریم در زمینه برخی ساختارهای اجتماعی، دادن فرصت‌های برابر به همه گروه‌ها و اقشار جامعه بازنگری کنیم. اگر به نیازها و دغدغه‌های گروه‌های اجتماعی پاسخ مناسب داده نشود و سهم و نقش آنها در جامعه تعریف نشود به صورت طبیعی میزان نارضایتی‌ها در جامعه افزایش پیدا می‌کند. بخش عمده دلایل اعتراضات خیابانی پاسخ ندادن به مطالبات اقشار مختلف است. ضمن اینکه در چنین شرایطی شرایط بحرانی را ایجاد می‌کند. مردم انتظار دارند چه در حوزه سیاست‌گذاری و چه در حوزه اجرایی و مدیریتی تأثیر عوامل بحران زا از بین برود. سوم حقوق کسانی است که در بحران‌ها به هر شکل و دلیل تضییع شده و یا نادیده گرفته شده است. مردم انتظار دارند پس از پایان بحران پاسخگویی به افرادی که در این بحران آسیب دیده‌اند وجود داشته باشد. چهارم برداشتن گام‌های عملی و خارج شدن از فضای شعار است. اینکه عنوان می‌شود «باید انجام شود» مشکلی از مردم حل نمی‌کند. این «باید انجام شود» باید توسط چه کسانی انجام شود؟ مردم انتظار دارند تغییرات در زندگی آنها محسوس باشد. انتظار دیگری که مردم دارند این است که ذینفعان در تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشند. این به معنای این است که اگر قرار است برای جامعه کارگری کشور تصمیم‌گیری شود نماینده‌گان واقعی آنها حضور داشته باشند. تحلیل سطحی از شرایط موجود هیچ کمکی به مدیریت بحران در آینده نخواهد کرد. ما باید مراقب باشیم داده‌هایی که غیرواقعی هستند ما را در نوع مدیریت و بازنگری‌هایی که قصد انجام آن را داریم فریب ندهد. ما باید واقعیت‌های اجتماعی را از زوایای مختلف و توسط گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی با گرایش‌های فکری متفاوت دریافت کنیم. هر مدیری که به صورت تک بعدی به مسائل جامعه نگاه کند نمی‌تواند واقعیت‌های جامعه را درک کند و براساس آن به یک تصمیم گیری صحیح دست پیدا کند.

نگره

حمله به سفارت باکو در تهران چه در دل خود داشت؟

حمله مسلحانه یک فرد به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران در روز جمعه (۷ بهمن) ـ سطح قابل توجهی از واکنش‌ها را به سوی خود جلب کرده است. در این حادثه رئیس حراست سفارت باکو کشته و دو محافظ سفارت زخمی شدند. از همان ابتدای وقوع حادثه مسئولان نظامی و قضائی ایران، با جدیت ماجرا را پیگیری کردند. مرکز رسانه‌ای قوه قضائیه نیز با درج اطلاعاتی مهم از مجرم و پرونده مفقود شدن همسر او، بر شخصی و خانوادگی بودن موضوع و نه تروریستی بودن حادثه، تاکید کرد. وزارت خارجه نیز از همان ساعات ابتدایی وقوع حادثه، با جدیت وارد ماجرا شد. در ابتدا امیر ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه این اقدام را شدیدا محکوم کرد. حسین امیرعبداللهیان و احمد وحیدی وزرای خارجه و کشور با توجه به حادثه پیش آمده در سفارت جمهوری آذربایجان در تهران اهداف و انگیزه مهاجم مسلح را مورد بررسی قرار دادند. در ادامه امیرعبداللهیان با جدیت بیشتر به موضوع ورود کرد. وزیر امور خارجه در گفت‌وگو جیحون یاپرامولف، همتای آذری خود، ضمن محکوم کردن این حادثه با اشاره به سوءاستفاده دشمنان دو کشور از حادثه، تأکید کرد، نباید اجازه دهیم که این حادثه بر مناسبات دو کشور تاثیر منفی بگذارد.

▶ واکنش‌های قابل تأمل باکو به رخداد

در سوی مقابل ایران، وزارت امور خارجه آذربایجان نیز در ساعت اولیه این حادثه با انتشار بیانیه‌ای درباره حمله به سفارت این کشور توضیحاتی داد. این وزارتخانه در بیانیه خود مدعی شد: در این حادثه یک نفر با اسلحه کلاشینکف حمله کرد و رئیس حراست سفارت باکو را کشت، دو محافظ سفارت نیز در جلوگیری از این حمله زخمی شدند. وضعیت آنها رضایت بخش است. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان نیز در بیانیه‌ای به این حمله واکنش نشان داد و نوشت: ما خواستار بررسی فوری این اقدام تروریستی و مجازات تروریست‌ها هستیم. ایخان حاجی‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه آذربایجان نیز در گفت‌وگویی با تی آر تی عنوان کرد که طرف ایرانی مسئولیت کامل حمله به سفارت این کشور در تهران را برعهده دارد. دفتر کمیسیونر حقوق بشر آذربایجان نیز در صفحه توییتری خود نوشت: ما قویا حمله تروریستی به سفارت آذربایجان در تهران را محکوم می‌کنیم و باور داریم که مقامات مسئول این کشور (ایران) تمام تلاش خود را برای حسابرسی به عاملان این قضیه انجام خواهند داد. در ادامه، وزارت خارجه آذربایجان سیدعباس موسوی، سفیر ایران در باکو در پی حمله مسلحانه به سفارت این کشور در ایران را احضار کرد.

▶ طرح فرضیه شوم تنش آفرینی میان تهران - باکو

همان‌گونه که از ابتدای امر آشکار بود، رخ دادن چنین حادثه‌ای در میانه تنش‌های چند وقت اخیر دو کشور، زمینه‌ای برای طرح روایت‌های ضدایرانی خواهد بود. از همان ابتدا برخی رسانه‌ها و اشخاص تلاش کردند حادثه را تروریستی بازنمایی کنند. تلاش آنها این بود خط ارتباط مستقیمی میان این رخداد با تنش‌های اخیر دو کشور ایجاد کنند. چنانکه خبرگزاری ترند نیوز (Trend News) جمهوری آذربایجان نیز در پوشش خبری رخداد حم